

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّاهِرِينَ

قواعد فقہی فرہنگ و ارتباطات

تألیف:

حجت الاسلام و المسلمین دکتر سید علی حسینی



انتشارات
دانشگاه امام صادق علیه السلام

عنوان: قواعد فقهی فرهنگ و ارتباطات

تألیف: حجت‌الاسلام و المسلمین دکتر سید علی حسینی

ناشر: دانشگاه امام صادق علیه‌السلام و پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی

ویراستار ادبی، صفحه‌آرا و طراح جلد (یونیفرم): محمد روشنی

نمایه‌ساز و ناظر نسخه‌پردازی و چاپ: رضا دیبا

چاپ و صحافی: چاپ سپیدان تهران

چاپ اول: ۱۳۹۶

قیمت: ۱۲۵/۰۰۰ ریال

شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۲۱۴-۶۰۸-۳

تهران: بزرگراه شهید چمران، پل مدیریت، انتشارات دانشگاه امام صادق علیه‌السلام

صندوق پستی ۱۵۹-۱۴۶۵۵ • کد پستی: ۱۴۶۵۹۴۳۶۸۱ • تلفکس: ۸۸۳۷۰۱۴۲

فروشگاه اینترنتی: www.ketabesadiq.ir • E-mail: press@isu.ac.ir

سرشناسه: حسینی، سیدعلی، ۱۳۳۸-

عنوان و نام پدیدآور: قواعد فقهی فرهنگ و ارتباطات/ تألیف سید علی حسینی.
مشخصات نشر: تهران: دانشگاه امام صادق (ع) و پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات وزارت فرهنگ و

ارشاد اسلامی، ۱۳۹۶.

مشخصات ظاهری: ۲۲۰ ص.

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۲۱۴-۶۰۸-۳

شناسه افزوده: دانشگاه امام صادق (ع)

شناسه افزوده: پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی

شماره کتابشناسی ملی: ۵۰۲۱۱۶۴

تمام حقوق محفوظ است، هیچ بخشی از این کتاب بدون اجازه مکتوب ناشر قابل تکثیر یا تولید مجدد به هیچ شکلی از جمله چاپ،

فتوکپی، انتشار الکترونیکی، فیلم و صدا و انتقال در فضای مجازی نمی‌باشد.

این اثر تحت پوشش قانون حمایت از حقوق مؤلفان و مصنفان ایران قرار دارد.

فهرست مطالب

۱۳	سخن ناشر.....
۱۵	پیشگفتار.....
۱۹	فصل اول: کلیات.....
۱۹	تعریف قاعده.....
۲۰	تعریف قاعده فقهی.....
۲۱	تعریف مرحوم نائینی.....
۲۲	تفاوت قواعد فقهی با قواعد اصولی.....
۲۴	تفاوت قاعده فقهی و مسئله فقهی.....
۲۵	انواع قواعد فقهی.....
۲۷	نگاهی به سیر تطور قواعد فقه در فقه امامیه.....
۲۷	دوره اول: دوره حضور.....
۳۶	دوره دوم: استفاده از قواعد فقهی از شیخ مفید تا شهید اول.....
۳۸	دوره سوم: تدوین و تأسیس قواعد فقهی از شهید اول تا نراقی و میرفتاح.....
۳۹	دوره چهارم: دوره شکوفایی و کمال، از نراقی تا دوره معاصر.....
۴۳	فصل دوم: قواعد فقهی ارتباطات.....
۴۳	قاعده حرمت اهانت به محترمان.....
۴۳	مقدمه.....
۴۴	تاریخچه قاعده.....
۴۴	توضیح اصطلاح‌های قاعده.....
۴۶	مفهوم قاعده حرمت اهانت به محترمان.....
۴۷	ادله قاعده.....

۴۷	۱. کتاب
۴۹	۲. سنت
۵۲	۳. عقل
۵۳	۴. ضرورت دینی و ارتکاز شرعی
۵۴	۵. اجماع
۵۴	مصادیق قاعده در حوزه فرهنگ، هنر و ارتباطات
۵۵	قاعده تعظیم شعائر الهی
۵۵	مقدمه
۵۵	نگاهی به تاریخ قاعده
۵۶	توضیح مفاهیم و اصطلاح‌های قاعده
۵۸	محتوای قاعده
۵۹	تفاوت قاعده تعظیم شعائر الهی با قاعده حرمت اهانت به محترمان
۶۰	ادله قاعده
۶۰	۱. کتاب
۶۲	۲. سنت
۶۳	۳. عقل
۶۴	نمونه‌های از تعظیم شعائر در فقه و ارتباطات
۶۶	قاعده تقيه
۶۶	اهمیت تقيه
۶۸	مفهوم قاعده تقيه
۶۸	نگاهی به تطور قاعده تقيه
۶۹	ادله قاعده
۶۹	۱. کتاب
۷۰	۲. سنت
۷۱	۳. اجماع
۷۱	۴. عقل
۷۱	انواع تقيه
۷۱	تقسیم تقيه به لحاظ منشأ و سبب آن
۷۳	نمونه‌های استثنایی
۷۴	تطبیق‌های رسانه‌ای قاعده تقيه
۷۵	قاعده حرمت اعانت بر اثم
۷۵	اهمیت قاعده

فهرست مطالب □ ۷

تاریخچه قاعده	۷۵
مفهوم قاعده حرمت اعانت	۷۶
۱. اعانت در لغت	۷۶
۲. اعانت در اصطلاح فقهی	۷۷
مفهوم اثم	۸۱
ادله قاعده	۸۱
۱. کتاب	۸۱
۲. سنت	۸۳
۳. اجماع	۸۶
۴. عقل	۸۶
نمونه‌های تطبیق قاعده	۸۷
کاربرد قاعده اعانت بر اثم در ارتباطات، فرهنگ و هنر	۸۸
قاعده لاضرر و لاضرار	۸۹
اهمیت قاعده لاضرر	۸۹
تطور قاعده لاضرر	۹۰
مفاد قاعده لاضرر	۹۰
مفهوم ضرر و ضرار	۹۱
ادله قاعده	۹۲
سنت	۹۲
سند حدیث لاضرر	۹۵
نمونه‌هایی از مصادیق قاعده لاضرر در ارتباطات	۹۵
قاعده حرمت اختلال نظام	۹۷
مقدمه	۹۷
مفهوم قاعده اختلال نظام	۹۷
تاریخچه قاعده	۹۸
قاعده حرمت اختلال نظام قاعده اصولی است یا فقهی؟	۹۹
ادله قاعده حرمت اختلال نظام	۹۹
۱. سنت	۹۹
۲. عقل	۱۰۱
۳. سیره عقلا	۱۰۲
نمونه‌هایی از قاعده اختلال نظام در دانش کلام، فقه، اصول و ارتباطات	۱۰۲

۱۰۵	قاعده ولایت فقیه
۱۰۶	ضرورت حکومت و حکومت اسلامی
۱۰۷	ولایت معصومان (علیهم السلام)
۱۰۸	غیبت حضرت ولی عصر (علیه السلام)
۱۰۸	تاریخچه کوتاهی از ولایت فقیه
۱۰۸	مرحله اول: ثبت و ضبط روایت‌ها
۱۰۹	مرحله دوم: طرح ولایت فقیه در ابواب فقهی و استناد بدان به مناسبت‌های گوناگون
۱۱۱	مرحله سوم: ولایت فقیه به مثابه یک مسئله و استدلال عقلی و نقلی بر آن
۱۱۲	مرحله چهارم: قاعده‌مندی
۱۱۳	مرحله پنجم: کمال و شکوفایی
۱۱۵	دیدگاه امام خمینی (ره) درباره ولایت فقیه
۱۱۵	۱. تبیین مسائل حکومت اسلامی پیش از انقلاب
۱۱۶	۲. تبیین مسائل حکومت اسلامی پس از پیروزی انقلاب
۱۱۷	۳. ضرورت تشکیل حکومت اسلامی
۱۱۸	۴. ولایت فقیه در عصر غیبت
۱۱۸	۵. اختیارات حاکم اسلامی
۱۱۹	ادله ولایت فقیه
۱۱۹	۱. توقیع شریف
۱۲۰	۲. روایت عمر بن حنظله
۱۲۱	۳. روایت تحف العقول
۱۲۱	۴. روایت امام صادق (علیه السلام)
۱۲۱	۵. روایت علی بن حمزه
۱۲۱	۶. روایت امیرالمؤمنین (علیه السلام)
۱۲۲	۷. اجماع
۱۲۲	نگاهی به مصادیق قاعده ولایت فقیه در حوزه فرهنگ و ارتباطات
۱۲۴	قاعده عدالت
۱۲۴	ارجمندی و فضیلت عدالت
۱۲۵	تعریف لغوی عدالت
۱۲۶	انواع عدالت
۱۲۶	تعریف عدالت از دیدگاه دانشوران مسلمان
۱۲۶	۱. رعایت حد وسط و اجتناب از افراط و تفریط
۱۲۸	۲. اعطای حقوق

فهرست مطالب □ ۹

۱۳۰	۳. وضع بایسته (وضع الشیئی فی موضعه).....
۱۳۲	۴. حکومت قانون.....
۱۳۴	۵. توازن و تکامل اجتماعی.....
۱۳۵	۶. استغنائی همه مردم.....
۱۳۷	نکته‌هایی درباره تعریف عدالت.....
۱۳۷	مساوات در برابر قانون (حکومت قانون).....
۱۳۸	بهره‌وری همه مردم از امکانات عمومی.....
۱۴۰	عدالت و انصاف.....
۱۴۱	تعریف عدالت در فقه.....
۱۴۱	ادله عدالت.....
۱۴۱	دلیل اول: قرآن.....
۱۴۶	دلیل دوم: سنت.....
	دسته اول: روایت‌هایی که بر لزوم اجرای عدالت بر والی در همه امور از جمله امور
۱۴۶	فرهنگی دلالت می‌کند.....
۱۵۰	دسته دوم: روایت‌هایی که بر «احیای احکام الهی در پرتو عدالت اجتماعی» دلالت می‌کند.....
۱۵۳	دسته سوم: روایت‌های مربوط به عمران کشور و اصلاح مردم.....
۱۵۷	دسته چهارم: روایت‌هایی که در فضیلت سلطان عادل و نکوهش سلطان جائر آمده است..
۱۵۷	دسته پنجم: روایت‌هایی که عدالت را هدف اصلی حکومت می‌دانند.....
۱۵۹	نگاهی به روایت‌های یاد شده.....
۱۶۰	سیره معصومان (علیهم‌السلام).....
۱۶۰	عدالت در سیره پیامبر اکرم اسلام (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم).....
۱۶۱	عدالت در سیره امیرالمؤمنین (علیه‌السلام).....
۱۶۲	عدالت در سیره اهل بیت (علیهم‌السلام).....
۱۶۳	گسترانیدن عدالت در انقلاب جهانی حضرت مهدی (عج).....
۱۶۴	دلیل سوم: عقل.....
۱۶۴	نمونه‌هایی از مصادیق قاعده عدالت در فقه.....
۱۶۵	عدالت در حوزه فرهنگ و ارتباطات.....
۱۶۸	قاعده مصلحت
۱۶۸	تعریف لغوی مصلحت.....
۱۶۸	مصلحت در اصطلاح.....
۱۶۹	تفاوت منافع فردی با منافع عمومی.....
۱۶۹	مفهوم قاعده مصلحت.....

۱۷۰	تطور قاعده مصلحت در فقه امامیه.....
۱۷۰	شیخ طوسی.....
۱۷۱	از شیخ طوسی تا شهید اول.....
۱۷۲	شهید اول.....
۱۷۲	از شهید اول تا صاحب جواهر.....
۱۷۲	صاحب جواهر.....
۱۷۳	امام خمینی (علیه السلام).....
۱۷۴	ادله اثبات قاعده.....
۱۷۴	۱. قدر متیقن از ادله ولایت فقیه.....
۱۷۴	۲. سیره ائمه.....
۱۷۴	۳. نصوص.....
۱۷۴	۳.۱. کتاب.....
۱۷۵	۳.۲. سنت.....
۱۷۸	مصادیق قاعده مصلحت در فقه و حوزه ارتباطات.....
۱۷۹	قاعده اهم و مهم
۱۷۹	مقدمه.....
۱۷۹	مفهوم اهم و مهم.....
۱۸۰	مفهوم قاعده.....
۱۸۰	ادله قاعده.....
۱۸۰	۱. عقل.....
۱۸۱	۲ و ۳. کتاب و سنت.....
۱۸۴	۴. اجماع.....
۱۸۴	۵. سیره عقلا.....
۱۸۴	نمونه‌هایی از مصادیق قاعده اهم و مهم در فقه، فرهنگ و ارتباطات.....
۱۸۷	قاعده نفی سبیل
۱۸۷	مقدمه.....
۱۸۷	نگاهی به تطور قاعده نفی سبیل.....
۱۸۹	مفهوم قاعده نفی سبیل.....
۱۸۹	توضیح امام خمینی (علیه السلام) درباره مفهوم قاعده نفی سبیل.....
۱۹۰	ادله قاعده.....
۱۹۰	۱. اجماع.....
۱۹۱	۲. کتاب.....

فهرست مطالب □ ۱۱

۱۹۱	۳. سنت
۱۹۲	۴. مناسبت حکم و موضوع
۱۹۲	مصادیق قاعده نفی سبیل در حوزه فرهنگ و ارتباطات
۱۹۵	منابع و مأخذ
۲۰۹	نمایه

«بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ»
وَلَقَدْ آتَيْنَا دَاوُودَ وَسُلَيْمَانَ عِلْمًا وَقَالَا الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي
فَضَّلَنَا عَلَى كَثِيرٍ مِّنْ عِبَادِهِ الْمُؤْمِنِينَ
(قرآن کریم، سوره مبارکه النمل، آیه شریفه ۱۵)

سخن ناشر

فلسفه وجودی دانشگاه امام صادق (علیه السلام) که از سوی ریاست فقید دانشگاه به کرات مورد توجه قرار گرفته، تربیت نیروی انسانی‌ای متعهد، باتقوا و کارآمد در عرصه عمل و نظر است تا از این طریق دانشگاه بتواند نقش اساسی خود را در سطح راهبردی به انجام رساند.

از این حیث «تربیت» را می‌توان مقوله‌ای محوری یاد نمود که وظایف و کارویژه‌های دانشگاه، در چارچوب آن معنا می‌یابد؛ زیرا که «علم» بدون «تزکیه» بیش از آنکه ابزاری در مسیر تعالی و اصلاح امور جامعه باشد، عاملی مشکل ساز خواهد بود که سازمان و هویت جامعه را متأثر و دگرگون می‌سازد.

از سوی دیگر «سیاست‌ها» تابع اصول و مبادی علمی هستند و نمی‌توان منکر این تجربه تاریخی شد که استواری و کارآمدی سیاست‌ها در گرو انجام پژوهش‌های علمی و بهرمندی از نتایج آنهاست. ازاین منظر پیشگامان عرصه علم و پژوهش، راهبران اصلی جریان‌های فکری و اجرایی به حساب می‌آیند و نمی‌توان آینده درخشانی را بدون توانایی‌های علمی - پژوهشی رقم زد و سخن از «مرجعیت علمی» در واقع پاسخ‌گویی به این نیاز بنیادین است.

دانشگاه امام صادق (علیه السلام) در واقع یک الگوی عملی برای تحقق ایده دانشگاه اسلامی در شرایط جهان معاصر است. الگویی که هم اکنون ثمرات نیکوی آن در فضای ملی و بین‌المللی قابل مشاهده است. طبعاً آنچه حاصل آمده محصول نیت خالصانه و جهاد علمی مستمر مجموعه بنیانگذاران و دانش‌آموختگان این نهاد است که امید می‌رود با اتکاء به تأییدات الهی و تلاش همه‌جانبه اساتید، دانشجویان و مدیران دانشگاه، بتواند به مرجعی تمام‌عیار در گستره جهانی تبدیل گردد.

معاونت پژوهشی دانشگاه امام صادق (علیه السلام) با توجه به شرایط، امکانات و نیازمندی جامعه در مقطع کنونی با طرحی جامع نسبت به معرفی دستاوردهای پژوهشی دانشگاه، ارزیابی سازمانی - کارکردی آن‌ها و بالاخره تحلیل شرایط آتی اقدام نموده که نتایج این پژوهش‌ها در قالب کتاب، گزارش، نشریات علمی و... تقدیم علاقه‌مندان می‌گردد. هدف از این اقدام - ضمن قدردانی از تلاش خالصانه تمام کسانی که با آرمان و اندیشه‌ای بزرگ و ادعایی اندک در این راه گام نهادند - درک کاستی‌ها و اصلاح آنها است تا از این طریق زمینه پرورش نسل جوان و علاقه‌مند به طی این طریق نیز فراهم گردد؛ هدفی بزرگ که در نهایت مرجعیت مکتب علمی امام صادق (علیه السلام) را در گستره بین‌المللی به همراه خواهد داشت (ان شاء الله).

ولله الحمد

معاونت پژوهشی دانشگاه

پیشگفتار

تحول چشمگیر فناوری در عرصه‌های گوناگون زندگی بشر، زمینه دستیابی انسان را به بخشی از آرزوهایش فراهم کرد و سبب تسهیل و تسریع در رسیدن به بسیاری از نیازهای روزمره انسان شد. یکی از تحول‌های مهم دنیای مدرن روزگار ما، پیشرفت چشمگیر فناوری در ابزار ارتباطات و رسانه‌هاست. بالندگی و شکوفایی سخت‌افزاری و نرم‌افزاری رسانه‌ها، دنیای ما را به دنیای انفجار اطلاعات و ارتباطات مبدل کرده است؛ به گونه‌ای که انسان در هر کجای کره زمین که زندگی کند، با سرعت و در زمانی اندک می‌تواند اطلاعات گوناگونی را در حوزه‌های گوناگون طبق دلخواه خود به‌دست آورد.

این تحول بزرگ گرچه آدمی را به شماری از آرزوهایش در این حوزه رساند، ولی پیامدهای زیان‌باری داشت و آسیب‌های متعدد و متنوعی به پیکره فرهنگ‌ها، فضیلت‌ها و عوامل آرامش و سعادت آدمی وارد کرد و در بسیاری از نمونه‌ها زمینه‌های ستم، إجحاف، تجاوز، غارت، خون‌ریزی و جنگ‌هایی را پدید آورد؛ گاه به‌ناحق و دروغ‌آبروی مردان و زنان بزرگی را بُرد و گاه نامردان را مرد، دروغ‌را راست، باطل را حق و سراب را آب جلوه داد و گاه به‌گونه‌ای بر این کژروی‌ها، انحراف‌ها و ستم‌های ویرانگر فرهنگی تأکید کرد و بسیاری از مردم جهان را گمراه نمود و بدین ترتیب، بسیاری از عدالت‌خواهان و طرفداران کرامت انسانی با طرح مسئله اخلاق رسانه و نیز در بسیاری از مراکز قانون‌گذاری کشورها، به‌رغم تأکید بر شعار آزادی بیان، با وضع قوانین در تعیین مرزها و خطوط قرمزی برای رسانه‌ها کوشیدند.

اما این تحدیدها خود مسائلی بسیار جدی در پی داشته است؛ چون از سویی با شعار آزادی و آزادی بیان مخالف بوده و از طرفی، بسیاری از آن‌ها مبتنی بر ضوابط و ملاک‌های سلطه‌جویانه، ناعادلانه یا غیرصحيح و مبتنی بر مبانی نادرست و منحرفی بوده است. فقه اسلام با استعدادها، ظرفیت‌ها و مبانی متقن، غنی و کارآمدی که دارد، مایه

مباهات اسلام است. نگاهی به تاریخ تحولات و تطور فقه اسلامی نشان می‌دهد که این مجموعه غنی و ارزشمند با پشتوانه متقن و غنی خود در طول زمان به‌خوبی پاسخگوی مسائل و رویدادهایی بوده که بر اثر تغییر نیازها و چند و چون زندگی مردم برای افراد و جامعه‌های اسلامی پدید آمده است. قواعد فقهی بخشی از این سرمایه عظیم و میراث ماندگار است که تأثیر بسزایی در پیشرفت فقه دارد و به فقه و فقها در حوزه‌های گوناگون توانایی می‌بخشد.

این قواعد در حوزه‌های گوناگون اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی کارآمد است و فقیهان و محققان حوزه فقه را یاری می‌رساند. در این اثر آن دسته از این قواعد بررسی می‌شود که در روزگار ما با حوزه ارتباطات رابطه تنگاتنگی دارد و به عبارت دیگر، بر این حوزه تطبیق می‌شود. شایان ذکر است که مقصود از «فقه ارتباطات» یا «فقه رسانه» آن دسته از مسائل فقهی است که پاسخگوی پرسش‌ها و بیانگر احکام فقهی موضوع‌های این حوزه است، همین معنا درباره قواعد فقه ارتباطات نیز صدق می‌کند.

نگاهی به تاریخ قواعد فقهی نشان می‌دهد که تا زمان محمد بن جمال مکی معروف به «شهید اول» (۷۸۶ق) در فقه شیعه کتابی خاص در این باره نگاشته نشده است. آن شهید فرزانه برای نخستین بار این قواعد را نوشت و پس از ایشان فقهای ناموری از جمله: «ملا احمد نراقی» (۱۲۴۵ق)، «حسینی مراغی» (۱۲۵۰ق) و... بر این قواعد افزودند و بخشی از آن را حذف و برخی را مستدل، مستند و فربه کردند و تدوین قواعد جدید، تکمیل و مصادیق جدید آن‌ها را تعیین و تبیین کردند.

پس از نراقی و حسینی مراغی روند رشد قواعد فقهی تحسین‌برانگیز بوده و تک‌نوشته‌هایی مانند رساله‌های شیخ انصاری (۱۲۸۱ق) درباره لاضرر، تقیه و امثال آن‌ها و نیز ورود برخی از قواعد به کتاب‌های اصول فقه و عمیق‌تر، دقیق‌تر و مستدل‌تر شدن مباحث قواعد فقهی، از جمله تکمیل‌ها و پیشرفت‌های قواعد فقهی بوده است. پس از پیروزی انقلاب اسلامی و در کنار احساس نیاز مبرم به فقه مضاف (مانند: فقه اقتصادی، فقه سیاسی، فقه قضایی و...) نیاز به قواعد فقه مضاف نیز به مرور زمان بیشتر احساس شد. از این رو، گروهی از محققان قواعد فقهی مضاف تدوین کردند.

این پژوهش در سه مرحله انجام شده است. در مرحله نخست، آن دسته از قواعد فقهی انتخاب شده که به حوزه رسانه مرتبط است. کسانی که در فقه‌های مضاف، دستی بر آتش دارند، به‌درستی می‌دانند که این کار، امری دشوار است. در این مرحله تذکر دو مطلب برای مخاطبان ارجمند ضرورت دارد: نخست آنکه جای قاعده اضطرار و عسر و حرج - اگر آن‌ها را دو قاعده بدانیم - و قاعده اضطرار - اگر آن را با عسر و حرج یکی بدانیم - خالی است. دوم آنکه قاعده مصلحت و عدالت دو قاعده جدید است که نگارنده کوشیده

آن‌ها را در قالب دو قاعده عرضه کند و همان‌طور که در تاریخ قواعد فقهی آورده می‌شود، قاعده‌سازی نه‌تنها اشکال ندارد؛ بلکه روش فقها بوده است.

در مرحله دوم، قواعد فقهی برگزیده بررسی و سعی شده است اهمیت، معنا، ادله و مصادیق قاعده را در حوزه فرهنگ، ارتباطات و هنر بیان شود. شایان ذکر است که بسیاری از قواعد یاد شده را می‌توان در حجم بسیار زیاد و به‌طور مشروح بررسی کرد و در این پژوهش، متناسب با اهداف آن، از حجم مطالب کاسته شده، با این حال، نگارنده کوشیده در برخی از نمونه‌ها در تدوین قواعد نوآوری کند.

در مرحله سوم، مصادیقی از هر قاعده را آورده شده. سپس قاعده را بر حوزه فرهنگ، ارتباطات، هنر و رسانه تطبیق داده شده است. مخاطب این اثر دانشجویان و استادان گرایش‌های فرهنگ و ارتباطات، هنر و رسانه و همه محققان این عرصه، علاقه‌مندان به قواعد فقه و نیز دانشجویان، و طلابی هستند که شیفته فقه مضاف و میان‌رشته‌ای‌اند. بی‌تردید این پژوهش کاستی‌هایی دارد، بنابراین از خوانندگان ارجمند تقاضا می‌شود از سر لطف کاستی‌های آن را به نگارنده یادآوری کنند و با پیشنهادهای ارزنده خود، بنده را مشمول لطف و محبتشان قرار دهند.

فصل اول:

کلیات

تعریف قاعده

واژه «قاعده» در زبان عربی به معنای پایه، اساس، ریشه و ستون هر چیز مادی یا معنوی است؛ به گونه‌ای که هرگاه آن اساس و قواعد نباشد، آن چیز واژگون شده و از بین می‌رود (فراهیدی، ۱۴۱۴، ج ۳: ۱۵۰۶؛ ابن منظور، ۱۴۰۸، ج ۳: ۳۶۱؛ طریحی، ۱۳۹۵، ج ۳: ۱۳۹؛ معین، ۱۳۷۱، ج ۲: ۲۶۱۷).

برای نمونه پایه‌های اصلی ساختمان را قواعد آن می‌گویند. این پایه‌ها و بنیادها به گونه‌ای است که اگر نباشد یا فرو ریزد، ساختمان واژگون خواهد شد (فاضل لنکرانی، ۱۴۲۵: ۸). خدای متعال در قرآن می‌فرماید: «و اذ یرفع ابراهیم القواعد من البیت و اسماعیل» (بقره/۱۲۷) و می‌فرماید: «فأتی الله بنیانهم من القواعد» (نحل/۲۶). در این دو آیه شریفه نیز قاعده به همین معنا به کار رفته است.

کلمه قاعده در علوم گوناگون به کار می‌رود و به معنای ضابطه و امری کلی که بر همه جزئیات و مصادیقش تطبیق می‌شود (طریحی، ۱۳۹۵، ج ۳: ۱۳۱؛ معین، ۱۳۷۱، ج ۲: ۲۶۷۱؛ فاضل لنکرانی، ۱۴۲۵: ۸). «فخرالمحققین» (۷۷۱ق) می‌نویسد: «قاعده امری است کلی که امور دیگری بر آن مبتنی می‌گردد و (احکام) چیزهای دیگر از آن استفاده می‌شود؛ بدین سان به مثابه کلی است برای جزئیاتش و اصل است برای فروعش» (حلی، ۱۳۶۳، ج ۱: ۸).

متفکر شهید، سید محمد باقر صدر معتقد است قوام هر قاعده‌ای چه فقهی و چه

اصولی و چه در دانش‌های دیگر به یک امر ایجابی و ثبوتی است که در آن وجود دارد؛ چه قاعده از مجعولات شرعی باشد و چه غیر شرعی و قرار گرفتن احکام متعدد تحت یک عنوان در سایه جعل، در پدید آمدن قاعده کافی نیست؛ بلکه عنوان در ترتب احکام بر موضوعاتش دخالت دارد (هاشمی شاهرودی، ۱۴۰۵، ج ۱: ۲۴).
به هر حال، معنای قاعده روشن است و چکیده معنایش عبارت است از: «ضابطه، قانون و امری است کلی که منطبق بر همه جزئیاتش است، هنگامی که احکام جزئیات از آن شناخته می‌گردد».^۱

تعریف قاعده فقهی

بیشتر فقهای شیعه قواعد فقهی را تعریف نکرده‌اند یا به دلیل آنکه درباره آن نوشته‌ای نداشته یا به تعریف آن اهمیتی نداده‌اند؛ چون معنایش را روشن و بی‌نیاز از تعریف می‌دانسته‌اند. گروهی از فقیهان هم آن را تعریف کرده‌اند و درباره تعریف آن به ظاهر اختلاف نظر دارند.

نخستین فقیهی که به تعریف قاعده فقهی همت گماشته، جناب «فخرالمحققین» است. ایشان به مناسبت توضیح واژه «قواعد الاحکام» در تعریف قاعده می‌نویسد: «قواعد جمع قاعده است و به معنای یک امر کلی است که بر همه مصادیق و جزئیاتش - هنگام شناخت احکامشان - تطبیق می‌گردد» (حلی، ۱۳۶۳، ج ۱: ۸). گرچه همان‌طور که پیش‌تر اشاره شد، «فخرالمحققین» ظاهراً در پی بیان معنای قاعده به‌طور کلی بوده، از آنجا که ایشان به دنبال توضیح کلمه «قواعد» بوده که به «الاحکام» اضافه شده، مقصود ایشان به احتمال زیاد، تعریف قاعده فقهی است؛ دست‌کم بی‌تردید تعریف ایشان شامل قواعد فقهی می‌شود.

شهید اول ضمن اجازه‌ای که به ابن‌خازن داده و در آن به کتاب القواعد و الفوائد اشاره کرده، می‌نویسد: «فمما صَنَفْتُهُ كِتَابَ الْقَوَاعِدِ وَ الْفَوَائِدِ مَخْتَصَرٌ يَسْتَمِلُ عَلَى ضَوَائِبِ كَلِيَّةِ اَصُولِيَّةٍ وَ فَرْعِيَّةٍ يَسْتَنْبِطُ مِنْهَا الْاِحْكَامَ الشَّرْعِيَّةَ لِمَ يَعْمَلُ فِي الْاَصْحَابِ مِثْلَهُ» (مجلسی، ۱۳۸۶، ج ۱۰۷: ۱۸۷).

چکیده آنچه از عبارت یاد شده درباره تعریف قاعده فقهی به‌دست می‌آید، این است: «قواعد فقهی ضابطه‌های کلی فرعی است که از آن‌ها احکام شرعی استنباط می‌شود». به

۱. استاد محمدتقی جعفری در توضیح معنای قاعده چنین می‌نویسد: «قاعده شیء مورد اتکای آن شیء می‌باشد. قواعد خانه عبارت است از پایه‌هایی که دیوارهای خانه روی آن قرار گرفته است. قاعده به معنای ثابت و برقرار هم آمده است. با توجه به آنکه پایه یک بنا هم بایستی با توجه به هدفی که از بنا شده است، ثابت و برقرار بوده باشد، دو معنای مزبور با هم منافاتی ندارد» (جعفری، ۱۳۸۸: ۷۸).